

چالش‌های پیش‌روی مشاوران مدارس

دکتر حسین سلیمی بجنستانی متولد سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در بجنستان خراسان رضوی است. وی در سال ۱۳۶۲ وارد مرکز تربیت معلم شد، در رشته آموزش ابتدایی در مقطع کاردانی تحصیل کرد و بعد از آن پنج سال در روستاها به معلمی پرداخت. سپس در دانشگاه مشهد در دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی در گرایش کودکان استثنایی و به دلیل علاقه زیاد بلافاصله در دوره کارشناسی ارشد رشته مشاوره، ادامه تحصیل داد. سپس به‌عنوان مدرس و مشاور در مراکز تربیت معلم کار خود را ادامه داد و در همه مقاطع تحصیلی تجربه کسب کرد.

دکتر سلیمی در سال ۱۳۸۳ در آزمون دکتری رشته مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شد و درجه دکتری خود را در این رشته در سال ۱۳۸۸ اخذ کرد. پس از آن از وزارت آموزش و پرورش به وزارت علوم منتقل شد و هم‌اکنون به‌عنوان استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه و مدیر مرکز مشاوره و بهداشت روان این دانشگاه مشغول به کار است. همچنین وی عضو تحریریه مجله رشد آموزش مشاور مدرسه است.

مجریان و مخاطبان آموزش و پرورش است که آموخته‌های پیشین لزوماً توانایی پاسخ‌گویی به آن‌ها را ندارند. برای این اساس، ضروری است که مشاوران برای رویارویی با این مشکلات، خود را آماده کنند. امروزه دو ایراد در کار مشاوران خود را به شکل سبندرم نشان می‌دهند؛ یکی «همه کار توانی» و دیگری «همه چیز دانی» که هر دو خطرناک‌اند و این حرفه را از شکل تخصصی آن دور می‌کنند. توهم ساده‌پنداری کار مشاوره یکی از چالش‌های جدی پیش‌روی برخی مسئولان و تصمیم‌گیرندگان است. مطالب بالا بخشی از دیدگاه‌ها و اظهارات دکتر حسین سلیمی بجنستانی، عضو هیئت علمی گروه مشاوره علامه طباطبایی و مدیر مرکز مشاوره و بهداشت روان دانشگاه است. ایشان در گفت‌وگو با مجله رشد مشاور مدرسه ضمن بیان این مطالب به نکات مهمی در رابطه با کار مشاوران مدارس اشاره کرد که در خور توجه است. متن کامل این گفت‌وگو دوساعته را به شما مخاطبان عزیز مجله، به ویژه مشاوران پر تلاش مدارس، تقدیم می‌کنیم.

● گفت‌وگو را با طرح جایگاه کار مشاوران در مدارس و روندی که این مسئله از ابتدا تاکنون طی کرده است، شروع می‌کنیم.

○ در ابتدا ضروری می‌دانم که از همه مشاوران مدارس که فعالانه و دلسوزانه تکیه‌گاه بسیاری از دانش‌آموزان هستند تشکر کنم. براساس مطالعاتی که در چند کشور انجام شده نشان می‌دهد که ما از نظر تربیت متخصص مشاوره و خدماتی که در مدارس ارائه می‌دهیم، از بسیاری از کشورها جلوتریم؛ چون جدی‌تر و به موقع شروع کردیم. نکته دیگری هم باید مدنظرمان باشد و آن اینکه عصر حاضر، عصری است که دو ویژگی مهم دارد: انفجار اطلاعات و انفجار انتظارات. در حال حاضر افزایش دانش و اطلاعات و منابع و رسانه‌های فراوان و در نهایت افزایش انتظارات، عدم تعادلی را در نظام عرضه و تقاضا به وجود آورده‌اند. این موضوع برای جامعه دانش‌آموزی نیز اتفاق افتاده است. این جامعه با آسیب‌هایی مواجه است که از قبل هم بوده‌اند، اما ممکن است نوع و تعدادشان تغییر کرده باشد. طبیعتاً وقتی اطلاعات زیاد می‌شود اما هضم نمی‌شود، بلوغ رفتاری به تعویق می‌افتد. به نظر می‌رسد اطلاعات فرزندان ما بسیار بالاتر



گفت‌وگو با دکتر حسین سلیمی بجنستانی،

عضو هیئت علمی و گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی

گفت‌وگو: نصرالله دادار

عصر حاضر را با دو ویژگی توصیف می‌کنند انفجار اطلاعات و انفجار انتظارات، این‌ها مؤلفه‌هایی هستند که موجب شده‌اند نوعی عدم تعادل در جوامع بروز کند و این نکته مهمی است که مشاوران مدارس باید به آن توجه داشته باشند. امروزه مسائل پیش‌روی

اگر مدیران مدارس دو ویژگی خطر (ریسک) پذیری و توانایی بهره‌گیری از مشاوران خوب را داشته باشند، می‌توانند مدیران موفق شوند

رفته و همین‌طور انتظارشان از خانواده و مدرسه نیز زیاد شده است. هدف مشاوره و روان‌شناسی کمک به بهبود رفتار است و براساس این ضرورت از حدود سال ۱۳۴۳، رشته مشاوره برقرار شد. اکنون دانشگاه‌ها در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا نیروی انسانی تربیت می‌کند. ضروری‌ترین کاری که برای این رشته باید انجام می‌شد، تربیت نیرو در داخل کشور و متناسب با فرهنگ ما بود؛ چرا که موفقیت این رشته بسیار به فرهنگ وابسته است.

در کشور ما، مشاوره در ابتدای ورودش به آموزش و پرورش، در دوره متوسطه وارد شد؛ در حالی که بهتر بود مشاور ابتدا در شش سال نخست حضور می‌داشت و سپس در شش سال دوم.

دلیل این موضوع این است که یکی از حیطه‌های اصلی کار مشاور و رسالت‌های او، پیشگیری و رشد است، طبیعتاً هر چه پیشگیری در سنین پایین‌تر باشد، اثرگذارتر است تا اینکه بخواهیم رفتار یک فرد بزرگ‌سال را تغییر دهیم. درواقع، تأکید فعالیت‌های مشاوره، بیشتر بر رشد و پیشگیری است و این موضوع، فلسفه تأسیس مشاوره در مدارس ما نیز بود.

در گذشته به مشاور مدرسه تنها به عنوان مشاور تحصیلی نگاه می‌کردند؛ در حالی که مبنای مشاوره تنها مشاوره تحصیلی نیست، بلکه همه جنبه‌ها فرد را در روند تحصیل نشان می‌دهند؛ یعنی شیوه‌های یادگیری، فرزندپروری، کلاس‌داری، جو مناسب کلاس، برخورد با دانش‌آموز و سازگاری با همسالان، آثار خود را در امر تحصیل نشان می‌دهند.

اکنون سال‌هاست که ما مشاور داریم، در ابتدا فرهنگ عمومی، مشاوره را نمی‌پذیرفت؛ در حالی که اکنون مردم این موضوع را پذیرفته‌اند که وقتی در مرحله‌ای نیاز به تصمیم‌گیری دارند یا دچار گرفتاری می‌شوند، باید با کسی رایزنی و طرح مسئله کنند. در مدارس نیز این‌گونه بود و دانش‌آموزان به راحتی به سراغ مشاور نمی‌رفتند. اکنون هم مشکلاتشان را به راحتی بازگو نمی‌کنند، اما بهتر از سال‌های گذشته است. نیرویی که بخواهد این خدمات را ارائه دهد، مشاور نامیده شده است؛ کسی که در رشته‌های مشاوره، روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط هويت حرفه ای خود را کسب کرده باشد.

● مشاوران مدارس اکنون با چه نوع چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟

○ اگر بخواهیم به چالش‌های مشاوران بپردازیم، می‌توانیم به روند رو به تزاید مشکلات و مسائل نوظهور اشاره کنیم. به عبارتی مسائل دانش‌آموزان امروزی را باید شناخت که پیچیده‌تر از قبل است. چالش عمده مشاوران روبه‌رو شدن با نسل در حال تغییر و شرایط اجتماعی ماست. به هر حال در گذشته مشاوره در مدارس با تأکید بر مشاوره تحصیلی ایجاد شد که کافی نیست. این نخستین چالش بوده و چالش‌های بعدی نیز به دنبال آن آمدند.

● به نظر شما آیا مشاوران مدارس اکنون توانایی ایفای نقش در شرایط کنونی را دارند؟ اگر نه چرا؟

در هر کاری اصولی حاکم است. در مشاوره و راهنمایی نیز به همین شکل است. یکی از اصول راهنمایی و مشاوره در مدارس این است که راهنمایی یک کار گروهی است نه فردی. این بدان معناست که معلم، مدیر، معاون و مشاور همگی در یک گروه کار می‌کنند. اصولاً یکی از وظایف مشاور هماهنگ کردن فعالیت‌ها به نفع سلامت روانی دانش‌آموزان است؛ یعنی، مشاور سرگروه است، اما اکنون مشاوران ما چه نقشی دارند؟ واقعاً برخی از مشاوران ما احساس هويت شغلی نمی‌کنند که دلایل مختلفی دارد؛ از جمله همکاری

مشاوره را می‌توان در پیوستاری از بیکارترین فرد در مدرسه تا پرکارترین فرد در نظر بگیریم

ضعیف در کادر اجرایی مدرسه به نفع فعالیت‌های مشاوره‌ای است. اگر مدیران مدارس دو ویژگی خطر (ریسک)‌پذیری و توانایی بهره‌گیری از مشاوران خوب را داشته باشند، می‌توانند مدیران موفق شوند. در حوزه مدیریت مدرسه یکی از اصول مهم داشتن مشاور در مدرسه است. مشاوران مدرسه نه تنها به دانش‌آموزان و والدین بلکه به ساختار مدیریت آسان مدرسه نیز می‌توانند کمک کنند.

یکی از چالش‌های اساسی مشاوره، باور داشتن نظام آموزشی ما و ساختار آموزش و پرورش و به ویژه مدیر مدرسه به مشاوره است. کسانی که به این نقش‌گذاری باور دارند، از مشاور استفاده می‌کنند و موفق‌اند و کسانی که باور ندارند، مثل این است که یک نیروی مازاد دارند که گاه در کارهای دفتری از او استفاده می‌کنند. بنابراین، مشاور را می‌توان در پیوستاری از بیکارترین فرد در مدرسه تا پرکارترین فرد رسم کنیم.

یکی دیگر از چالش‌های این حوزه، خود مشاوران هستند. همیشه گفته شده که مشاوره، علم، هنر و شخصیت است و اگر کسی ویژگی‌های شخصیتی لازم برای این کار را نداشته باشد، هرچند همه دانش مشاوره را هم به او آموزش دهیم زیاد مؤثر نخواهد بود. یکی از ویژگی‌های شخصیتی لازم برای مشاور این است که نوع‌دوست باشد و بتواند خوب ارتباط برقرار کند. بعضی‌ها نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند و بنابراین، برای کار مشاوره مناسب نیستند. پس اگر کسی می‌داند که نمی‌تواند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار کند، بهتر است مشاوره را انتخاب نکند.

در مشاوره، هنر و دانش با شخصیت مطلوب مشاور همراه می‌شوند و شخصیتی خردمند و کارزماتیک را می‌سازند که می‌تواند در مدرسه، تسهیل‌کننده جریان رشد باشد.

از دیگر چالش‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که امروزه با نسلی مواجه هستیم که آموخته‌های پیشین توانایی پاسخ‌گویی به مسائل فعلی آن‌ها را ندارند.

برنامه‌های آموزشی در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا باید مورد بازنگری قرار بگیرند و این کار اکنون در دست بررسی است؛ یعنی، دوره لیسانس اطلاعات مرتبط و مشترک بین روان‌شناسی و مشاوره را در بر خواهد داشت و از دوره فوق‌لیسانس به بعد گرایش‌های مشاوره ایجاد می‌شود. این کار رویارویی با چالشی است که به دلیل کمبود اطلاعات درباره برخی مسائل به وجود آمده است.

چالش دیگر توهم ساده‌پنداری کار مشاوره است. من هرچه در این حوزه تجربه بیشتری کسب کردم، متوجه شدم کار سخت‌تری است. توهم ساده‌پنداری یعنی افراد با توجه به نام مشاوره گمان می‌کنند کار ساده‌ای است؛ در حالی که موضوع مطالعه و کار حرفه‌ای روان‌شناسی انسان است. انسانی که خلیفه... است و ما وظیفه داریم به او کمک کنیم. پس، مشاور باید خودش را نیز بسازد. اگر مشاور انسان خودساخته‌ای باشد موفق خواهد بود. کما اینکه مشاورانی که سابقه معلمی دارند موفق‌ترند؛ چون بهتر می‌توانند با مراجعاتشان ارتباط برقرار کنند.

برخی کار مشاوره و مشکلات دانش‌آموزان را ساده می‌گیرند؛ چون عوامل مؤثر در بروز رفتارها را نمی‌شناسند.

این عوامل به سه دسته تقسیم می‌شوند. «عوامل به وجود آورنده»، «عوامل مستعدکننده» و «عوامل آشکارساز».

مثلاً یک کبریت مستعد آتش گرفتن است. حال اگر به سطح زبری کشیده

هدف مشاوره و روان‌شناسی، کمک برای بهبود رفتار است



عکس: غلامرضا بهرامی

یکی از اصول راهنمایی و مشاوره در مدارس این است که راهنمایی یک کار گروهی است نه فردی. این بدان معناست که معلم، مدیر، معاون و مشاور همگی در یک گروه به نفع سلامت روانی مدرسه کار می‌کنند

شود، این آتش، آشکار می‌شود. دانش‌آموزان ما نیز در فرایند رشد مستعد برخی رفتارها هستند. بنابراین، اگر عواملی مانند ناکامی تحصیلی، برخورد بد معلم، محتوای نامناسب درسی هم به مشکلات او اضافه شوند، شدت بروز این رفتارها بیشتر می‌شود.

عوامل ژنتیکی، خانوادگی، اجتماعی و روانی در بروز رفتارها تأثیر گذارند. در این وضعیت می‌توانیم از مشاور انتظاراتی داشته باشیم.

مشاور تنها مشاور دانش‌آموز نیست بلکه مشاور نظام آموزشی و عوامل مدرسه نیز است. این مشاور باید از روان‌شناسی رشد و فرایند رشد آگاه باشد. از روان‌شناسی تربیتی مطلع باشد و نظریه‌های یادگیری را بشناسد تا نحوه ایجاد انگیزه و جو مطلوب در کلاس را بداند.

مشاوره‌های فردی و گروهی، اختلالات، تفاوت‌های فردی را بشناسد و از همه مهم‌تر سعه صدر لازم را داشته باشد منبع الگو می‌باشد و بتواند خودش را در زیر پوست مدرسه جا کند.

درواقع، مشاوره در مدارس نوعی مددکاری هم هست. مشاوران ما منتظر نباشند اتاق مبله‌ای در اختیارشان قرار بگیرد تا آنچه را در دانشگاه یاد گرفته‌اند، پیاده کنند.

ما در مددکاری دو اصطلاح «مددکار ایستاده» و «مددکار نشسته» داریم. در مدارس، بازار مددکار نشسته کساد است؛ مگر اینکه آن‌قدر ایستاده کار کرده باشد که حتی اگر بنشینند، باز هم سراغش را بگیرند. بنابراین، حتی راه رفتن مشاور در حیاط و زاهروی مدرسه همراه با نگاه محبت‌آمیز و برقراری یک ارتباط خوب، به تسهیل رشد و ارائه خدمات مشاوره کمک می‌کند.

● **عده‌ای معتقدند که عنوان «مشاوره و راهنمایی» برای آنچه در مدارس انجام می‌شود، درست نیست و می‌گویند عنوان «راهنمایی و مشاوره» در این مورد صحیح‌تر است؛ زیرا اصلی‌ترین کار مشاوران مدارس، راهنمایی و پیشگیری است. نظر شما در این باره چیست؟**
○ بله؛ خیلی از کتاب‌ها از «مشاوره و راهنمایی» استفاده می‌کند ولی عنوان «راهنمایی و مشاوره» درست‌تر است.

● **مهم‌ترین وظایف مشاوران مدارس چیست؟**
○ ما باید این فرهنگ را ایجاد کنیم که مشاوره لزوماً برای حل مشکلات نیست بلکه برای تصمیم‌گیری مناسب قبل از هر اقدامی نیز می‌تواند باشد. همچنین مشاور باید وارد متن مشکلات شود. یکی از وظایف اصلی مشاوران مدارس، مشورت‌دهی است که متأسفانه مشاوران ما از مشورت‌دهی غافل‌اند. مشاوره یک فرایند برقراری ارتباط حرفه‌ای برای کمک به کاهش مشکلات است.

مشورت‌دهی یعنی اینکه با افرادی که در رشد تربیت اخلاقی، علمی و اجتماعی و دینی دانش‌آموز نقش دارند؛ وارد شور شویم؛ افرادی مثل والدین، مدیر و معلم. متأسفانه خودمان گاه از این موضوع غافل هستیم. در کل، چون تلقی مناسبی از مشاوره نداریم، انتظار اتمان نیز در فضای مناسبی شکل نمی‌گیرد.

یکی دیگر از وظایف مشاوران - که یکی از چالش‌ها هم هست - موضوع

ارجاع است. این بدان معناست که مشاوران وقتی نمی‌توانند مشکلی را حل کنند، باید آن را ارجاع دهند. ارجاع، فرایند از سر باز کردن مراجع نیست و مشاور باید بعد از ارجاع، مشکل را پیگیری کند تا بداند به کجا رسیده است. والدین ما شیوه‌های فرزندپروری عصر حاضر را نمی‌دانند و مشاوران مدارس باید در این زمینه کمک کنند. خیلی از معلمان ما درباره اختلالات یادگیری اطلاعات کافی ندارند و مشاوران می‌توانند این آگاهی را به آن‌ها بدهند. ما هستیم که مهارت‌های لازم و اساسی زندگی را در دوره ابتدایی به کودکان آموزش می‌دهیم تا در دوره بعدی، هویت شکل یافته‌تر و مسائل کمتری داشته باشند.

در دوره بعدی، یعنی شش ساله دوم، هم مباحثی مانند هویت‌یابی، ارتباط با همسالان، استقلال و ... هستند که حضور مشاوران را می‌طلبند. توجه داشته باشیم که یکی از چالش‌های امروز ما، نداشتن پشتوانه نظری برای کار مشاوره است. ما باید همه نظریات را بخوانیم و بدانیم. سعی کنیم آن‌ها را به کار ببریم و در نهایت نظریه خودمان را از آن‌ها استخراج کنیم؛ یعنی، متناسب با فرهنگ‌مان کار کنیم. مشاوران ما پشتوانه نظری کمی دارند. به آن‌ها توصیه می‌کنم به‌طور مثال به دیدگاه واقعیت‌درمانی و بلیام گلاسر در کتاب‌های «نظریه انتخاب» «مدارس بدون شکست» و «هر دانش‌آموزی می‌تواند موفق شود» توجه کنند و بکوشند آنچه را از این کتاب‌ها برداشت کردند، پیاده کنند. این دیدگاه‌ها به مشاوران برای کار در مدرسه چشم‌انداز می‌دهد تا بدانند چه چیزهایی را ملاک قرار دهند.

در این میان، چون دیدگاه‌های نظری ما قوی نیست، در عمل هم می‌لنگیم. این هم یکی دیگر از چالش‌هاست.

● **به نظر شما تفاوت کار مشاوره در مدارس با کار مشاوره در مراکز درمانی چیست؟**

○ من زمانی این ایده را داشتم که هر چند مدرسه که نزدیک هم قرار دارند، یک مرکز مشاوره مشترک ایجاد کنند؛ یعنی، به جای اینکه در هر مدرسه‌ای یک مشاور باشد، یک واحد مشاوره مشترک وجود داشته باشد که مدارس مسائلشان را به آن مرکز ارجاع دهند.

مشاور مدرسه همه وظایفی را که قبلاً گفتم، باید انجام دهد و متمرکز بر فرد و سازمان مدرسه است. مشاور مرکز مشاوره، بیشتر در حوزه درمانی فعالیت می‌کند.

ما می‌گوییم مشاوره در دوره ابتدایی ضرورت دارد، اما ردیف استخدامی برای آن تعریف نشده است. آیا این بدان معناست که مشاوره در دوره ابتدایی را رها کنیم؟ خیر بلکه باید به معلمانمان آموزش مشاوره دهیم.

بین معلم آموزش و معلم مشاور تفاوت وجود دارد. برای معلم آموزشی،

یکی از ویژگی‌های شخصیتی لازم برای مشاور این است که انسان دوست باشد و بتواند ارتباط مؤثر برقرار کند

مشاوران مدارس منتظر نباشند اتاق میله‌ای در اختیارشان قرار گیرد تا آنچه را در دانشگاه یاد گرفته‌اند، پیاده کنند



دیگری درس «سمینار» است که در آن باید اطلاعات و یافته‌های جدید در حوزه مشاوره مدرسه را به دست آورند و گزارش دهند و بخش سوم پایان‌نامه‌های دانشجویان این رشته است که باید اختصاصاً در حوزه‌های مدارس، دانش‌آموزان، والدین و معلمان باشد.

باید گفت بسیاری از پایان‌نامه‌ها یافته‌های خوبی دارند، اما هنوز گسستی میان دانشگاه و آموزش و پرورش وجود دارد که باعث می‌شود این پایان‌نامه‌ها در بایگانی وزارت علوم و بخش مرجع کتابخانه‌ها نگهداری شوند؛ در حالی که آموزش و پرورش باید از این پایان‌نامه‌ها استفاده کند.

● آیا منظور شما این است که دانشجویان در زمینه کار مشاوران در مدارس، پایان‌نامه‌های زیادی می‌نویسد ولی آموزش و پرورش از آن‌ها استفاده نمی‌کند؟

○ بله. ممکن است برخی از پایان‌نامه‌ها ساختار قوی نداشته باشند، اما بسیاری از آن‌ها سطح خوبی دارند. نتیجه یک پایان‌نامه ممکن است تنها یک بند (پاراگراف) باشد. ما می‌توانیم این یافته را که قبلاً به بوتۀ آزمایش رسیده است، بپذیریم و از آن استفاده کنیم.

دو ایراد که در کار مشاوران، خود را به شکل اختلال آشکار نشان می‌دهند، «همه کار توانی» و «همه چیزدانی» هستند که هر دو خطرناک‌اند؛ یعنی، حوزه‌ای با این عظمت و اهمیت را به هر کسی می‌سپارند و او هم نه نمی‌گوید؛ چراکه گمان می‌کند همه چیز را می‌داند. در حالی که مشاوره، یک تخصص و فن است.

کسی را که کار بلد است باید حفظ کرد، اما اگر کسی را برای این کار در نظر گرفتیم که آموزش ندیده، ایراد بزرگی است.

پژوهشگاه تعلیم و تربیت و دفتر مشاوره وزارتخانه کمترین ارتباط با بدنه دانشگاه دارد که این خود یک معضل است؛ در حالی که آموزش و پرورش می‌تواند اولویت‌های پژوهشی خود را با رویکرد مشاوره به دانشجویان اعلام کند، به طور مثال معضلات مدارس فنی‌حرفه‌ای و سایر مدارس در معرض خطر دانشجویان در مدارس کارورزی کنند و... در این صورت اتفاق‌های خوبی می‌افتد. پژوهش قرار است مشکلات آموزش را مرتفع کند.

● آیا شما خود در دانشگاه تلاش کرده‌اید که بین برنامه‌های آموزشی رشته مشاوره و نیازهای مشاوران مدارس هماهنگی و تناسب ایجاد کنید؟

○ این هماهنگی تاکنون نبوده اما اکنون تغییر سرفصل‌های درسی تا هم آموزش‌ها به نیازهای مدارس نزدیک شوند و هم در رشته‌هایی مثل مشاوره که مبتنی بر فرهنگ است، اقتضات فرهنگی لحاظ شوند.

وسعت این رشته آن قدر زیاد است که دانشجویان اگر چارچوب و اسلوب کلی را در دانشگاه یاد بگیرند، تا آخر کارشان باید در این زمینه مطالعه کنند. در این رشته کتاب‌های خوب در حوزه‌های تخصصی وجود دارد. بنابراین، همه نیازهای دانش‌آموختگان رشته مشاوره در دانشگاه مرتفع نمی‌شود. دانشگاه باید چارچوب کلی را به نحو احسن آموزش دهد، اما در عین حال دانشجو را به مطالعه و جست‌وجوی بیشتر تشویق کند؛ چون تحقیقات

آموزش و نمره مقدم است، اما برای معلم مشاور، شخصیت دانش‌آموز اهمیت دارد. این معلم به همه ابعاد وجودی دانش‌آموز توجه دارد.

من پیشنهاد می‌کنم که برای استفاده از خدمات مشاوره در شش ساله نخست، معلمان در دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم آموزش‌های لازم را ببینند. ● تربیت معلم مشاور از طریق دوره‌های کوتاه‌مدت در مراکز تربیت معلم یا دانشگاه‌ها امکان‌پذیر است؟

○ بله، امکان‌پذیر است. این دوره‌ها می‌تواند راه میان‌بر باشد. وقتی معلم یک اختلال یادگیری را بشناسد و شیوه برطرف کردن آن را بداند، بهتر از شیوه سنتی است. پس ما به معلم مشاور نیاز داریم؛ معلمی که نکات روان‌شناسی را بداند و شخصیت دانش‌آموز برایش بیشتر اهمیت داشته باشد تا آموزش، برای این معلم همه ابعاد رشد مهم است نه فقط یادگیری و حافظه. والدین هم برای چنین معلمی اهمیت دارند. این معلم از همه آموزه‌های روان‌شناسی استفاده خواهد کرد تا انسانی تربیت کند که بداند نباید خلاف قانون رفتار کند و... .

● در حال حاضر، کدام دانشگاه در داخل کشور نیروی انسانی در رشته مشاوره تربیت می‌کند؟

○ تا ده سال پیش دانشگاه‌های محدودی در مقطع کارشناسی مشاور تربیت می‌کردند. اکنون در اکثر دانشگاه‌هایی که رشته‌های علوم انسانی دارند، رشته مشاوره در سطح کارشناسی دایر است، اما در مقطع فوق لیسانس، برخی از دانشگاه‌ها و در مقطع دکترا تعداد خاصی از دانشگاه‌ها فعال‌اند.

براساس برنامه‌های جدید، روان‌شناسی و مشاوره در دوره لیسانس تجمیع خواهد شد، و در مقطع فوق لیسانس چهار گرایش در رشته مشاوره: «مشاوره خانواده»، «مشاوره توان بخشی»، «مشاوره شغلی» و «مشاوره مدرسه» وجود دارد. هدف مشاوره مدرسه این است که نیروها برای مشاوره در مدارس آماده شوند. درس‌های آن‌ها هم با این حوزه مرتبط‌تر است.

دانشگاه‌های علامه طباطبایی، خوارزمی، شهید بهشتی و تهران در استان تهران و در دیگر استان‌ها دانشگاه فردوسی مشهد، شهید چمران اهواز و اصفهان، تبریز، زنجان، گیلان، یزد و شیراز این رشته را دارند.

در مقطع دکترا فقط در دانشگاه‌های علامه طباطبایی، خوارزمی، شهید چمران، اصفهان و اخیراً هرمزگان رشته مشاوره دایر شده است.

● برنامه‌های درسی و آموزشی دانشگاه‌ها در رشته مشاوره، تا چه حد با نیازهای مشاوران مدارس هماهنگ است؟

○ گرچه نام این رشته مشاوره مدرسه است، تنها سه درس دانشگاه‌ها به این موضوع بیشتر مربوط می‌شود. یکی از آن‌ها کارورزی این رشته است که در آن دانشجویان با اختلالات رفتاری دانش‌آموزان آشنا می‌شوند.

ترجیح اصلی مشاوران گوش دادن و اجبار شغلی شان حرف زدن است به عبارتی برای ما مشاوران سخن گفتن احتیاج و گوش کردن یک ضرورت است

مشاوران ما به دیدگاه‌هایی مانند واقعیت‌درمانی توجه بیشتری کنند. این دیدگاه به مشاوران در کار مدرسه چشم‌انداز مناسبی می‌دهد

دادن است و اجبار شغلی‌شان حرف زدن است.»
در عین حال باید این نکته را یادآور شوم که مطالعه خلأ همه آموزش‌ها را می‌تواند پر کند که متأسفانه ما از این موضوع هم غافلیم. مشاور نمی‌تواند مطالعه نکند. حتی یک جراح هم وقتی می‌خواهد جراحی جدیدی انجام دهد، مطالعه می‌کند.

مطالعه برای رشد حرفه‌ای مشاوران بسیار ضروری است. مطالعه خلأهای ما را پر می‌کند. این یکی از موضوعاتی است که من به همکاران توصیه می‌کنم.

● در زمینه مراحل پیگیری یک مشکل دانش‌آموزی، چه پیشنهادی برای مشاوران مدارس دارید؟

○ سؤال مناسبی است، متأسفانه عده‌ای از مشاوران ما مراحل پیگیری یک مشکل در مدرسه را نمی‌دانند. نخستین گام، شناسایی فرد مورد نظر است. برای نمونه شناسایی افرادی را که علائمی مانند بی‌نظمی، کم‌رویی، اضطراب و پرخاشگری دارند، را باید زیر نظر داشته باشیم. بعد از شناسایی، باید رفتار دانش‌آموز را مشاهده و سوابق تحصیلی‌اش را مطالعه کنیم. در کل، باید اطلاعاتمان را در این زمینه تکمیل کنیم و بعد به گفت‌وگو بنشینیم.

یک نکته مهم دیگر در مدرسه، حفظ اسرار و مسائل شخصی دانش‌آموزان است. این یک وظیفه حرفه‌ای و در عین حال جداً اخلاقی و شرعی است. یک مشاور خوب کسی است که بتواند اعتماد دانش‌آموزان را جلب کند. او در این راه باید ظرافت‌های کاری را رعایت کند تا فرهنگ مراجعه و اعتماد به مشاور ترویج یابد.

● یکی از مسائل و مشکلاتی که امروز در مدارس وجود دارد، افت تحصیلی است. امروزه همه افراد مرتبط با مدارس - اعم از معلم، مدیر، خانواده و حتی خود دانش‌آموزان - از مشاوران انتظار دارند که به آن‌ها راه‌حل‌هایی برای تقویت انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموزان ارائه کنند. در این رابطه چه پیشنهادهایی برای مشاوران مدارس دارید؟

○ این یک بحث اساسی و مهم است که خود به یک گفت‌وگوی مفصل نیاز دارد. به اختصار عرض می‌کنم؛ این که فقط مشاور این انگیزه‌ها را تقویت کند، کار دشواری است، اما تحلیل افت تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن از عهده مشاور مدرسه برمی‌آید. عوامل مؤثر در افت تحصیلی به دو گروه درون‌فردی و برون‌فردی تقسیم می‌شوند. ابتدا باید این عوامل را شناسایی کرد و سپس به دنبال درمان رفت. عوامل درون‌فردی به هر چه به خود فرد مربوط است، اطلاق می‌شود؛ مانند ضعف بینایی، ضعف شنوایی، افسردگی، عدم اعتماد به نفس و... عوامل برون‌فردی به عوامل خانواده، مدرسه، محتوای کتاب‌ها و... گفته می‌شود. وقتی عوامل مشخص شد، باید راه‌های مداخله در این عوامل را بررسی کرد.

در بخش فردی مشاور می‌تواند اقدامات مؤثری انجام دهد، بخشی هم خارج از وجود دانش‌آموز است؛ مثل نبود آرامش در خانواده که دعوت از خانواده و در صورت لزوم ارجاع به خانواده درمانی ضروری می‌شود. بنابراین، افت تحصیلی یک طیف است که رسیدگی به آن به عوامل مختلفی بستگی دارد. این می‌تواند موضوع بحثی جداگانه باشد.

بسیاری در این زمینه صورت می‌گیرد. یعنی، هر روز با یافته‌های جدیدی در حوزه روان‌شناسی و مشاوره روبه‌رو هستیم. پس ما نیز باید دانشجویان را به استخراج مطالب جدید تشویق کنیم.

● شما به این موضوع اشاره داشتید که مشاوره در دوره ابتدایی نسبت به سایر دوره‌های تحصیلی از اهمیت بیشتری برخوردار است. ممکن است توضیح دهید مشاوره در دوره ابتدایی با سایر دوره‌ها مثلاً دوره متوسطه چه تفاوتی دارد؟

○ این موضوع را روان‌شناسی رشد مشخص می‌کند. دوره ابتدایی، نخستین دوره استقلال دانش‌آموز از خانواده است و طی آن او از دامن خانواده به جامعه می‌آید. این دوره، دوره رشد ذهنی در مرحله عملیات ذهنی، نهفتگی جنسی، اجتماعی شدن، یادگیری اصول و پایه‌ها، دوره بازی، یادگیری تعامل و شناخت است. در دوره ابتدایی مسائل رشدی مطرح است اما در دوره بعدی مسائل هویتی مطرح می‌شود.

مسائل رشدی مانند رشد زبان، رشد خواندن و حساب کردن موضوعاتی هستند که در دوره ابتدایی مشخص می‌شوند و اگر کودک در این زمینه‌ها اختلالاتی داشته باشد، در همین دوره مشخص می‌شود. بنابراین، کسی که مشاور دوره ابتدایی است، باید از مسائلی مانند گفتار درمانی، اختلالات رشد و یادگیری، اوتیسم، روان‌شناسی بازی، و اضطراب دوران کودکی و... اطلاعات کافی داشته باشد و از همه مهم‌تر بتواند شیوه‌های تربیت فرزند را به والدین منتقل کند.

در دوره هویتی مسائل پیچیده‌تر می‌شوند. در این دوره، دانش‌آموز، مستقل‌تر می‌شود و با همسالان سازگاری بهتری دارد. در عین حال، با محرک‌های جدید اجتماعی روبه‌رو می‌شود و موضوعاتی مانند هویت‌یابی، اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کند. یعنی ممکن است قبلاً اختلالاتی شکل گرفته باشد و در شش سال دوم (دوره متوسطه) جنبه درمانی بیشتر ضمن اینکه کمک به تصمیم‌گیری در زمینه، انتخاب رشته تحصیلی و شغلی ضرورت دارد.

به این ترتیب در دوره کودکی، رشد، پیگیری و آموزش مطرح است و در دوره بعدی علاوه بر این‌ها درمان هم مطرح می‌شود.

● از دیدگاه‌ها و نظراتی که ارائه کردید؛ استفاده می‌کنم. شما گفتید مشاوران مدارس باید در دو زمینه مهارت کافی داشته باشند: مهارت حرفه‌ای و مهارت ارتباطی.

به نظر شما، مشاوران مدارس در عصر جدید، که به عصر ارتباطات شهرت یافته است، چگونه می‌توانند مهارت‌های ارتباطی خود را افزایش دهند؟

○ به‌زعم من، توان برقراری ارتباط یک توان ذاتی و ویژگی شخصیتی است؛ یعنی، بخش زیادی از آن به توانایی ذاتی ما مربوط است. بخش دیگر این مهارت ارتباطی یادگرفتنی است. می‌توان مسئله‌ای مانند گوش دادن به سخن دیگران را یاد گرفت که مهارتی عمیق و حرفه‌ای است. بنابراین، بخشی از آن قابل آموزش است.

ملاک‌های ارتباطی مانند پیش‌داوری نکردن، وجود همدلی، نگاه محبت‌آمیز، و تند و جویده حرف زدن هم از دیگر موضوعاتی است که باید رعایت شود.

در واقع باید به این نکته اساسی توجه کرد که: «ترجیح مشاوران گوش